

مسئولیت ناشی از صدور گواهی خلاف واقع پزشکی

محمود عباسی^۱

چکیده

صدور گواهی پزشکی یکی از وظایف روزمره پزشکان و دیگر صاحبان حرف پزشکی است. از مهم‌ترین و شایع‌ترین دلایلی که ممکن است پزشکان مبادرت به صدور گواهی نمایند صدور گواهی جهت معافیت از خدمت در ادارات دولتی یا نظام وظیفه و یا حضور در محاکم و مراجع قضایی است. نظر به اهمیت صدور این تصدیق‌نامه‌ها، قانونگذار جهت پیشگیری از ایراد خسارت به دولت و اشخاص حقیقی و حقوقی و یا اخلال در نظم عمومی جامعه و صیانت از قداست کار پزشکی برای صدور گواهی خلاف واقع ضمانت اجرای کیفری در نظر گرفته است و مرتکبین این گونه جرایم را قابل تعقیب کیفری و محاکمه و مجازات می‌داند که این امر تاثیر به سزایی بر استحکام رابطه پزشک و بیمار دارد.

واژگان کلیدی

تصدیق‌نامه پزشکی، گواهی خلاف واقع، جعل و تزویر

۱. رییس مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران، رییس انجمن علمی حقوق پزشکی ایران و عضو سازمان جهانی حقوق پزشکی، تهران، ایران.

Email: Dr.abbasi@sbmu.ac.ir

مسئولیت ناشی از صدور گواهی خلاف واقع پزشکی

یکی از جرائمی که توسط پزشکان قابل ارتکاب است و قانونگذار آن را قابل تعقیب کیفری و مجازات می‌داند صدور تصدیق‌نامه خلاف واقع پزشکی است، که در ماده ۵۳۹ قانون مجازات اسلامی مورد تصریح قانونگذار قرار گرفته است. چنانچه این جرم توسط افراد دیگری غیر از پزشک و یا دیگر صاحبان حرف پزشکی ارتکاب یابد به استناد مواد دیگری از قانون مجازات اسلامی قابل تعقیب و مجازات است. صدور تصدیق‌نامه خلاف واقع قبلاً در مواد ۱۱۰ و ۱۱۱ قانون مجازات عمومی اصلاحی سال ۱۳۵۲ مورد حکم مقنن قرار گرفته بود و پس از انقلاب نیز مواد ۳۰ و ۳۱ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب سال ۱۳۶۱ به این موضوع اختصاص یافته بود که ماده ۳۰ قانون مزبور مقرر می‌داشت: «طیب و یا جراح هرگاه تصدیق‌نامه برخلاف واقع درباره شخصی برای معافیت از خدمت در ادارات رسمی یا نظام وظیفه یا برای تقدیم به محاکم بدهد به شش ماه تا دو سال حبس محکوم خواهد شد.»

هر چند صدور گواهی پزشکی بنابر تقاضای بیمار یکی از وظایف روزمره پزشکان و دیگر صاحبان حرف پزشکی محسوب می‌گردد، لیکن از مهمترین و شایع‌ترین دلایلی که ممکن است پزشک مبادرت به صدور گواهی نماید همان‌گونه که در ماده ۵۳۹ قانون مجازات اسلامی به آن تصریح شده استفاده از آن برای معافیت از خدمت در ادارات دولتی یا نظام وظیفه و یا حضور در محاکم و مراجع قضایی است. نظر به اینکه صدور گواهی خلاف واقع پزشکی ممکن است موجب خسارت به دولت و یا اشخاص حقیقی و حقوقی و یا اخلال در امور جامعه گردد قانونگذار آن را جرم تلقی و مرتکب و یا مرتکبین آن را قابل مجازات می‌داند.

هر چند صدور گواهی خلاف واقع، اعم از اینکه توسط پزشک صادر شده باشد (موضوع ۵۳۹ قانون مجازات اسلامی) و یا توسط سایر افراد (موضوع ماده ۵۴۰ قانون مجازات اسلامی) زیر عنوان جعل و تزویر موضوع فصل پنجم قانون مجازات اسلامی آورده شده لیکن عدم اشاره به واژه جعل در این دو ماده توسط قانونگذار آگاهانه بوده و نمی‌توان گفت که منظور قانونگذار جعل بوده است نه بزه دیگر. به عبارت دیگر، قانونگذار به این نکته توجه داشته است که این دو مورد، اساساً جعل (چه مادی و چه مفادی) محسوب نمی‌شوند.^۱

جرم صدور گواهی خلاف واقع، هر چند شباهت زیادی با جرم شهادت کذب و جعل معنوی دارد لیکن با جرم جعل گواهی پزشکی موضوع ماده ۵۳۸ قانون مجازات اسلامی از لحاظ انگیزه مرتکب و میزان مجازات متفاوت است که به تشریح آن می‌پردازد.

این مقاله مشتمل بر دو بخش است که در بخش اول صدور گواهی خلاف واقع پزشکی و ارکان تشکیل‌دهنده آن مورد مطالعه قرار می‌گیرد و در بخش دوم به تشریح سایر تصدیق‌نامه‌های خلاف واقع خواهیم پرداخت.

۱- گواهی خلاف واقع پزشکی

صدور تصدیق‌نامه خلاف واقع پزشکی یکی از جرایم خلاف شئون شغلی و حرفه‌ای پزشکی است که در ماده ۵۳۹ قانون مجازات اسلامی مورد تصریح قانونگذار قرار گرفته است. ماده مزبور مقرر می‌دارد:

«هرگاه طبیب تصدیق‌نامه برخلاف واقع درباره شخصی برای معافیت از خدمت در ادارات رسمی یا نظام وظیفه یا برای تقدیم به مراجع قضایی بدهد به حبس از شش ماه تا دو سال یا به سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد

و هرگاه تصدیق‌نامه مزبور به واسطه اخذ مال یا وجهی انجام گرفته علاوه بر استرداد و ضبط آن به‌عنوان جریمه، به مجازات مقرر برای رشوه‌گیرنده محکوم می‌گردد.»
 بنابراین عنصر قانونی جرم صدور گواهی خلاف واقع ماده قانونی فوق می‌باشد و دیگر ارکان تشکیل دهنده این جرم عبارتند از: عنصر مادی جرم که غیرواقعی بودن گواهی صادره است، خصوصیت و شخصیت مرتکب، عنصر معنوی یا سوءنیت مرتکب و بالاخره ارائه گواهی غیرواقع به ادارات رسمی یا نظام وظیفه و یا مراجع قضایی که به تشریح آن می‌پردازد.

۱-۱- عناصر تشکیل دهنده جرم

الف) خصوصیت مرتکب جرم

یکی از ویژگی‌ها و شرایط تحقق جرم صدور گواهی خلاف واقع، موضوع ماده ۵۳۹ قانون مجازات اسلامی این است که مرتکب جرم می‌بایست طبیب باشد و سایر اشخاص نمی‌توانند مشمول این ماده قرار گیرند. گرچه قانونگذار سایر تصدیق‌نامه‌های خلاف واقع صادره توسط سایر افراد و همچنین جعل گواهی پزشکی را نیز جرم تلقی و برای مرتکبین آنها مجازات خاصی در نظر گرفته است لیکن یکی از تفاوت‌های اصلی این ماده با مواد ۵۳۸ و ۵۴۰ قانون مذکور، خصوصیت مرتکب جرم است که الزاماً مرتکب این جرم می‌بایست پزشک باشد تا مشمول ماده ۵۳۹ قانون مزبور قرار گیرد. به عبارتی این جرم فقط از ناحیه اطباء قابل ارتکاب می‌باشد و واژه طبیب در این ماده اعم است از پزشک عمومی و متخصص، سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا واژه طبیب مصرحه در ماده ۵۳۹ دربر گیرنده سایر عناوین و صاحبان حرف پزشکی مانند داروسازان، متخصصین علوم آزمایشگاهی، دندانپزشکان و غیره، آن‌گونه که ماده ۱۵ قانون

تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و یا ماده یک قانون مربوط به مقررات پزشکی و دارویی مقرر داشته است می‌گردد یا خیر؟^۲

شایان ذکر است که عنوان طبیب یا پزشک به کسی اطلاق می‌شود که پس از طی یک رشته آموزش‌های لازم در رشته پزشکی و گذراندن دوره‌های عملی موفق به اخذ مدرک و گواهینامه پایان تحصیلات دکترای پزشکی گردیده باشد، البته این عنوان در رشته‌های پزشکی به متخصصین رشته‌های مختلف پزشکی و کسانی که دارای مدرک فوق تخصص در رشته‌های مزبور هستند نیز اطلاق می‌گردد. ماده ۳۱ قانون تعزیرات سابق واژه پزشک و جراح را مورد استعمال قرار داده بود لیکن ماده ۵۳۹ قانون مجازات اسلامی به واژه «طبیب» اکتفاء کرده است. همان‌گونه که اشاره کردیم واژه طبیب دربرگیرنده کلیه رشته‌ها و تخصص‌های مختلف پزشکی و جراحی و حتی پزشکان فوق تخصص می‌باشد و اما در پاسخ به سؤال مطروحه که آیا واژه طبیب مصرحه در ماده ۵۳۹ قانون مارالذکر مشتمل بر صاحبان سایر حرف پزشکی نیز می‌گردد یا خیر، باید گفت که قانونگذار تعریفی از واژه طبیب یا پزشک ارائه نکرده لیکن در تبیین مصادیق امور پزشکی ماده ۱۵ قانون تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مقرر می‌دارد: «منظور از کلمه پزشکی در این قانون کلیه رشته‌های پزشکی از قبیل پزشکی، دندانپزشکی، داروسازی، علوم بهداشتی، پرستاری، مامایی، تغذیه، توانبخشی، بهداشت کار دهان و دندان، کاردانی بهداشت خانواده، کاردانی مبارزه با بیماری‌ها و پیراپزشکی (علوم آزمایشگاهی تشخیص طبی، تکنولوژی رادیولوژی، ادیومتری و اپتومتری) می‌باشد.^۳

نظر به اینکه قوانین جزا را می‌بایست تفسیر مضیق نموده و واژه «طبیب» در ماده ۵۳۹ قانون مجازات اسلامی حصری است نه تمثیلی و موضوع تصدیق‌نامه‌های

صادره نیز دقیقاً مشخص گردیده که برای معافیت در ادارات رسمی یا نظام وظیفه و یا برای تقدیم به مراجع قضایی می‌باشد و معمولاً صدور این گونه تصدیق‌نامه‌ها از سوی سایر صاحبان حرف پزشکی مانند داروسازان، متخصصین علوم آزمایشگاهی، متخصصین رادیولوژی و پرستاری و غیره متعذر است، بنابراین به نظر می‌رسد سایر رشته‌های پزشکی موضوع ماده ۱۵ قانون تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از شمول ماده ۵۳۹ قانون مجازات خارجند و حتی برخی رشته‌ها مانند دندانپزشکی که احتمال صدور این گونه تصدیق‌نامه‌ها از ناحیه آنان متصور است نیز نمی‌توانند مشمول ماده مزبور قرار گیرند زیرا در عرف پزشکی نیز واژه طبیب بر دندانپزشک اطلاق نمی‌گردد.^۴ و اما چنانچه یکی دیگر از صاحبان حرف پزشکی مبادرت به صدور تصدیق‌نامه بر خلاف واقع نمایند تکلیف چیست؟

در این خصوص شقوق مختلفی قابل تصور است:

اولاً: ماهیت کار سایر صاحبان حرف پزشکی به گونه‌ای است که اساساً صدور چنین تصدیق‌نامه‌هایی از سوی آنان متصور نیست. بنابراین عمل آنان جعل گواهی پزشکی تلقی می‌گردد.

ثانیاً: تصدیق‌نامه‌هایی که این گونه افراد صادر می‌کنند فاقد ویژگی خاص و شرایط متصوره ماده ۵۳۹ قانون مجازات اسلامی است. به عبارتی دیگر تصدیق‌نامه‌هایی که این گونه افراد صادر می‌کنند قابل ارائه به ادارات رسمی یا نظام وظیفه یا برای تقدیم به مراجع قضایی به منظور معافیت از خدمات نیست، بلکه ممکن است صدور این تصدیق‌نامه‌ها در جای دیگری مورد استفاده قرار گیرد.

ثالثاً: تصدیق‌نامه‌هایی که سایر صاحبان حرف پزشکی برخلاف واقع صادر می‌کنند ممکن است موجب ضرر به اشخاص ثالث یا دولت گردد که در این صورت قانونگذار برای آن تدابیر دیگری اندیشیده است.

به نظر می‌رسد که فرض اول مسئله به‌طور کلی منتفی است زیرا چه بسا کارمندی که به‌علت عفونت شدید دندان یا جراحی لثه نتواند در وقت اداری سر کار خود حاضر شود و دندانپزشکی مبادرت به صدور گواهی پزشکی برای نامبرده جهت معافیت از خدمت در اداره‌ای نماید، همین‌گونه است وضعیت شخصی که برای فرار از خدمت در اداره خود به بهانه معافیت از خدمت گواهی پزشکی خلاف واقع ناشی از جراحی لثه یا عفونت شدید دندان ارائه می‌کند و یا زن حامله‌ای که تحت نظر ماما است به بهانه معافیت از خدمت در اداره خود مبادرت به ارائه گواهی خلاف واقع صادره از سوی ماما به اداره متبوع خود نماید، بنابراین صدور چنین تصدیق‌نامه‌هایی از طرف دیگر صاحبان حرف پزشکی متعذر نیست، هرچند که با توجه به استدلالات فوق، موضوع از شمول ماده ۵۳۹ قانون مجازات اسلامی خارج است، و اما در خصوص شقوق دوم و سوم باید به دیگر مواد قانون مجازات اسلامی استناد کرد.

ماده ۵۴۰ قانون مجازات اسلامی در این خصوص مقرر می‌دارد: «برای سایر تصدیق‌نامه‌های خلاف واقع که موجب ضرر شخص ثالثی باشد یا آن که خسارتی بر خزانه دولت وارد آورد مرتکب علاوه بر جبران خسارت وارده به شلاق تا ۷۴ ضربه یا به دویست هزار تا دو میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.»

همان‌گونه که اشاره کردیم تصدیق‌نامه‌های خلاف واقع که از طرف سایر صاحبان حرف پزشکی صادر می‌گردد از شمول ماده ۵۳۹ قانون مجازات اسلامی خارج است و ماده ۵۴۰ قانون مجازات اسلامی دربرگیرنده مفاد هر یک از شقوق دوم و سوم مفروض در سؤال قبلی است. زیرا ماده مزبور، هم تصدیق‌نامه‌های

خلاف واقعی را مورد حکم قرار داده است که موجب ضرر به اشخاص ثالث می‌گردد و هم تصدیق‌نامه‌های خلاف واقعی را که موجب خسارت بر خزانه دولت می‌گردد، البته لازم به یادآوری است که ممکن است این جرم توسط افراد دیگری غیر از دیگر صاحبان حرف پزشکی نیز ارتکاب یابد که در این صورت نیز موضوع مشمول ماده ۵۴۰ قانون مجازات اسلامی خواهد بود. نکته دیگری که در باب خصوصیت مرتکب جرم باید به آن پرداخت، نظامی بودن پزشک است که در صورت صدور گواهی خلاف واقع ممکن است موجب تشدید مجازات آنان گردد. به موجب ماده ۵۸ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۷۱ «هر نظامی که در ارتباط با انجام وظیفه خود موجبات معافیت یا اعزام مشمولی را به خدمت وظیفه عمومی به ناحق فراهم سازد و یا سبب شود نام کسی که مشمول قانون خدمت وظیفه عمومی هست در لیست مشمولان ذکر گردد، چنانچه اعمال مذکور به موجب قوانین دیگر مستلزم مجازات شدیدتری نباشد به حبس از شش ماه تا سه سال و انفصال موقت از خدمت از شش ماه تا یکسال برای مرحله اول و اخراج از خدمت در نیروهای مسلح برای مرحله دوم محکوم می‌شود. در صورتی که مرتکب از پزشکان یا متخصصان شاغل در نیروهای مسلح باشد طبق ماده ۵۶ عمل خواهد شد.»

براساس ماده ۵۶ قانون مذکور پزشک نظامی علاوه بر مجازات فوق به محرومیت از اشتغال به طبابت به مدت ۵ تا ۱۰ سال محکوم می‌گردد.

ب) غیرواقعی بودن گواهی صادره

غیرواقعی بودن گواهی صادره که رکن مادی جرم است، در حقیقت انجام فعل مثبت مادی است، یعنی در واقع طیب با دادن تصدیق‌نامه خلاف واقع، عملی را انجام می‌دهد که بدون وجود آن جرم مزبور محقق نمی‌گردد. تصدیق‌نامه در

عرف حقوقی و متون قانونی به گواهی مکتوبی اطلاق می‌شود که توسط طبیب نوشته شده باشد. در تعریف تصدیق‌نامه آمده است تصدیق‌نامه: «در اصطلاح تصدیق است و به جای آن شهادت‌نامه و دیپلم هم به کار می‌رود.»^۵

بدین ترتیب لازمه تحقق عنصر مادی جرم این است که گواهی پزشکی یا تصدیق‌نامه صادره از طرف پزشک کتبی باشد. مثال رایج و شایع آن گواهی پزشکی صادره از سوی طبیب در مورد طول مدت درمان است که معمولاً پزشک آن را در یک برگ نسخه نوشته و امضاء و آن را ممهور به مهر پزشکی خود می‌نماید.

هنگام نگارش گواهی پزشکی:

- ۱- احراز هویت درخواست کننده گواهی
- ۲- معاینه دقیق بیمار و تشخیص بیماری او
- ۳- صحت محتوای گواهی صادره
- ۴- تحویل و ارائه گواهی به بیمار

از جمله مواردی است که پزشک مکلف به رعایت آنهاست.

لازم به توضیح است که صدور گواهی پزشکی ممکن است به علل مختلفی صورت پذیرد که صدور گواهی تولد، فوت، بیماری، از کار افتادگی، نقص عضو، تزریق واکسن، معاینه چشم، عدم اعتیاد، عدم ابتلاء به بیماری‌های مسری و واگیردار و دهها نوع گواهی دیگر از جمله آنهاست. بنابراین برای تحقق جرم صدور گواهی خلاف واقع لازم است که گواهی صادره برخلاف حقیقت و متضمن نوع بیماری، نقص عضو، عدم اعتیاد و یا هر یک از دلایل دیگری که ضرورت صدور گواهی را ایجاب نموده باشد، به‌عنوان مثال طبق ماده ۲۷ قانون وکالت؛ در صورتی وکیل دعاوی می‌تواند در جلسه محکمه شرکت نکند که عذری موجه داشته باشد. چنانچه به‌منظور موجه جلوه دادن عدم حضور خود مبادرت به اخذ گواهی خلاف

واقع از طبییی نماید و به محکمه ارائه دهد عمل پزشک جرم و به مجازات مقرر در ماده ۵۳۹ قانون مجازات اسلامی محکوم می‌گردد و یا کارمندی که بدون عذر موجه دو ماه غیبت نموده است به منظور موجه جلوه دادن غیبت خود در اداره متبوعش، تصدیق‌نامه‌ای از پزشک اخذ نماید که در این مدت بستری بوده است، عمل پزشک از مصادیق بارز جرم صدور گواهی خلاف واقع پزشکی است، به علاوه کارمند مزبور مرتکب تخلف اداری شده است که از موضوع بحث ما خارج است.^۶ بنابراین صدور هر نوع گواهی پزشکی که مطابق با واقع نباشد در صورت تحقق سایر شرایط، مسؤولیت جزایی و بعضاً مسؤولیت مدنی پزشک رابه دنبال دارد و غیرواقعی بودن گواهی پزشکی نیز ممکن است تمام محتوای گواهی صادره و یا بخشی از آن را دربر گیرد. مثال‌های فوق نمایانگر نوعی گواهی پزشکی است که تمام محتوای آن برخلاف واقع است و چنانچه طبییی مبادرت به صدور گواهی پزشکی یک هفته‌ای برای بیماری نماید که تنها سه روز در بیمارستان بستری بوده است، عمل طبیب در چنین فرضی نیز با وجود سایر شرایط، جرم کامل تلقی می‌گردد. آنچه لازمه تحقق این جرم است صدور گواهی حاوی اطلاعات دروغ و گزارش خلاف واقع می‌باشد.

ج) سوءنیت مرتکب

سوءنیت یا قصد مجرمانه یکی از عناصر تشکیل‌دهنده جرم صدور گواهی خلاف واقع است. در اینجا منظور از قصد مجرمانه مرتکب، این است که وی در انجام عمل خلاف قانون عمد داشته باشد و این نکته را از عبارت «برخلاف واقع» مذکور در ماده ۵۳۹ قانون مجازات اسلامی می‌توان استنباط کرد. مسلماً منظور مقنن از خلاف واقع بودن گواهی در این عبارت، علم و اطلاع پزشک از اقدام

خود و عمد او در صدور گواهی خلاف واقع است. به عنوان مثال، پزشکی که نوعی بیماری را گواهی می‌کند که اساساً در شخص وجود خارجی ندارد و علی‌رغم این که به عدم وجود آن بیماری علم و اطلاع دارد، لیکن عمداً مبادرت به صدور گواهی خلاف واقع برای شخص مورد نظر می‌نماید قصد مجرمانه او برای ارتکاب جرم محرز می‌باشد و این بدان معنا نیست که چنانچه پزشکی بر اثر اشتباه در تشخیص نوع بیماری و یا تعیین مدت طول درمان مبادرت به صدور گواهی پزشکی نماید عمل او منطبق با ماده ۵۳۹ قانون مجازات اسلامی و مسئولیت جزایی او محرز می‌باشد، بلکه برای تحقق جرم موصوف، صرف اشتباه در تشخیص کافی نبوده و نیازمند احراز سوءنیت مرتکب می‌باشد.

«چنانچه پزشک جراحتهایی را که در جسم بیمار وجود خارجی ندارد مورد گواهی قرار دهد و گواهی او مناط حکم بر علیه دیگری باشد که به جبران خسارات وارده محکوم گردیده پزشک مسؤل است و همچنین اگر پزشک در تشخیص ماهیت بیماری و عوارض آن دچار اشتباه شود او مسؤل خطاهایی است که گواهی صادره متضمن آنهاست.»^۷

بنابراین در مورد اول که پزشک مبادرت به صدور گواهی برای جراحتهای بیمار نموده که اساساً در جسم بیمار وجود خارجی ندارد، عمل او جرم و مستوجب مجازات است لیکن در مورد دوم که پزشک در تشخیص ماهیت بیماری و عوارض آن دچار اشتباه شده مسؤلیت او مدنی و فاقد جنبه جزایی است و صرفاً به جبران خسارت وارده محکوم می‌گردد.

لازم به یادآوری است که تحقق جرم صدور گواهی خلاف واقع منوط به تحقق اهداف مورد نظر شخصی که پزشک برای او گواهی صادر نموده نمی‌باشد بلکه به مجرد تحریر و مهر و امضاء گواهی خلاف واقع و تسلیم آن به شخص

مورد نظر، در صورت تحقق سایر شرایط جرم مزبور کامل می‌باشد و ضرورتی ندارد که مراجع قضایی تصدیق‌نامه را پذیرفته یا ادارات دولتی و نظام وظیفه فرد را از خدمت معاف کرده باشند. به عبارت دیگر این جرم از جمله جرایم مقید به نتیجه نمی‌باشد که تحقق آن منوط به حصول کامل نتیجه مورد نظر متقاضی باشد.

د) جهت صدور گواهی

قانونگذار در ماده ۵۳۹ قانون مجازات اسلامی تصریح نموده در صورتی که تصدیق‌نامه خلاف واقع به منظور ارائه به ادارات رسمی، نظام وظیفه و یا تقدیم به مراجع قضایی برای معافیت از خدمت صادر شده باشد مشمول مجازات مقرر در ماده مزبور می‌باشد.

به عبارت دیگر وقتی طبیب با شرایط فوق مبادرت به صدور تصدیق‌نامه خلاف واقع بنماید جرم مزبور محقق شده و پزشک به مجازات مقرر قانونی محکوم می‌گردد. هر چند که به وقوع نتیجه نیازی نیست و اعمال مجازات منوط به استفاده طرف از گواهی ساده نمی‌باشد. ماده مزبور مقرر می‌دارد: «هرگاه طبیب تصدیق‌نامه بر خلاف واقع درباره شخصی برای معافیت از خدمت در ادارات رسمی یا نظام وظیفه یا برای تقدیم به مراجع قضایی بدهد به حبس از شش ماه تا دو سال یا به سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد و هرگاه تصدیق‌نامه مزبور به واسطه اخذ مال یا وجهی انجام گرفته علاوه بر استرداد و ضبط آن به عنوان جریمه، به مجازات مقرر برای رشوه گیرنده محکوم می‌گردد.» همان گونه که ملاحظه می‌گردد قانونگذار در این ماده جهت صدور گواهی خلاف واقع را معاف شدن دیگری از خدمت در ادارات رسمی یا نظام وظیفه و یا برای تقدیم به مراجع قضایی اعلام کرده است.

از مفهوم مخالف ماده مزبور چنین مستفاد می‌گردد که چنانچه طبیب تصدیق‌نامه خلاف واقع را به منظور ارائه به یک شرکت خصوصی صادر نماید از شمول ماده خارج است، زیرا منظور از ادارات رسمی همان ادارات دولتی است که متصدی انجام اعمال رسمی هستند، یعنی وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و اداراتی که تحت نظر دولت بوده و با بودجه رسمی دولت اداره می‌شوند و از نظر حقوقی، عمل رسمی به عملی اطلاق می‌شود که منصوب به دولت باشد.^۸

نظام وظیفه نیز یکی از ادارات رسمی وابسته به نیروی انتظامی است که تحت نظر وزارت کشور انجام وظیفه می‌کند و عهده‌دار رسیدگی به امور نظام وظیفه و خدمت سربازی است.

همچنین مراجع قضایی مصرحه در ماده ۵۳۹ قانون مزبور مراجعی هستند که زیر نظر رئیس قوه قضائیه و براساس اختیارات قانونی خود به انجام وظیفه می‌پردازند.^۹ بنابراین تصدیق‌نامه‌های خلاف واقعی که طبیب درباره شخصی برای معافیت از خدمت در یکی از ادارات رسمی یا نظام وظیفه و یا برای تقدیم به مراجع قضایی صادر می‌نماید مشمول ماده فوق می‌باشد و سایر تصدیق‌نامه‌های خلاف واقعی که طبیب صادر می‌نماید مانند گواهی خلاف واقع تندرستی برای امر ازدواج موضوع ماده ۵ قانون لزوم ارائه گواهینامه پزشکی قبل از وقوع ازدواج مصوب سال ۱۳۱۷ و یا تصدیق‌نامه‌های خلاف واقعی که طبیب برای مرجعی غیر از مراجع مقرر در ماده ۵۳۹ صادر می‌نماید مانند تصدیق‌نامه‌های خلاف واقعی که موجب ضرر شخص ثالثی می‌گردد یا آن که خسارتی بر خزانه دولت وارد می‌آورد از شمول ماده مزبور خارج‌اند. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چنانچه پزشکی مبادرت به صدور گواهی خلاف واقع نماید، لیکن از تسلیم آن به متقاضی یا از ارسال آن به

اداره متبوع وی یا مراجع مذکور در قانون خودداری ورزد، آیا عمل پزشک منطبق با ماده ۵۳۹ قانون مجازات اسلامی است یا خیر؟

با توجه به مفاد ماده ۵۳۹ قانون مذکور، به نظر می‌رسد صرف صدور گواهی خلاف واقع پزشکی از سوی پزشک، بدون اینکه آن را به درخواست کننده تسلیم یا آن را به مراجع مذکور در ماده ۵۳۹ ارسال نموده باشد، برای مسئول شناختن پزشک کفایت نمی‌کند. بنابراین چنانچه پزشکی مبادرت به صدور گواهی خلاف واقع پزشکی برای شخصی نموده باشد که به منظور توجیه غیبت غیرموجه خود، قصد ارائه آن به وزارتخانه متبوعش را داشته لیکن از تسلیم آن به طرف یا از ارسال آن به وزارتخانه متبوع شخص خودداری و آن را در کشوی میز خود نگهداری نموده است و در نتیجه بازرسی از مطب وی گواهی صادره توسط بازرسین وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مشاهده و در اختیار آنان قرار گیرد تا این مقدار عمل طبیب را نمی‌توان جرم تلقی و مشمول ماده ۵۳۹ قانون مجازات اسلامی دانست، زیرا قانونگذار تسلیم تصدیق‌نامه خلاف واقع به درخواست کننده به منظور ارائه به ادارات رسمی یا نظام وظیفه و یا برای تقدیم به مراجع قضایی را شرط ضروری تحقق جرم مزبور می‌داند.

مجموعه‌های

۱-۲- مجازات جرم گواهی خلاف واقع

مجازات جرم صدور گواهی خلاف واقع، محکومیت به شش ماه تا دو سال حبس یا سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی می‌باشد.

همان‌گونه که قبلاً اشاره کردیم اعمال مجازات در این جرم منوط به استفاده از گواهی خلاف واقع صادره از سوی پزشک نیست. همین که پزشک گواهی خلاف واقع صادره را به شخص تسلیم کرد یا به مراجع مذکور در ماده ۵۳۹

قانون مجازات اسلامی ارسال نمود، جرم محقق گردیده و پزشک به مجازات مقرر قانونی محکوم می‌گردد. به‌علاوه مجازات مقرر در این ماده در مورد کسی اعمال می‌گردد که واقعاً پزشک باشد.

ماده ۵۳۹ قانون مارالذکر مقرر می‌دارد:

«هرگاه طبیب تصدیق‌نامه خلاف واقع درباره شخصی برای معافیت از خدمت در ادارات رسمی یا نظام وظیفه یا برای تقدیم به مراجع قضایی بدهد به حبس از شش ماه تا دو سال یا به سه میلیون تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد. و هرگاه تصدیق‌نامه مزبور به‌واسطه اخذ مال یا وجهی انجام گرفته باشد علاوه بر استرداد و ضبط آن به‌عنوان جریمه به مجازات مقرر برای رشوه‌گیرنده محکوم می‌گردد.» همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد ذیل ماده به طبیبی اشاره دارد که تصدیق‌نامه را به‌واسطه اخذ مال یا وجهی ارائه کرده باشد. بدیهی است که در این مورد مجازات رشوه‌گیرنده جایگزین مجازات مقرر در صدر ماده می‌گردد. ابهامی که در اینجا وجود دارد این است که منظور مقنن از «به مجازات مقرر برای رشوه‌گیرنده محکوم می‌گردد» چیست؟

آیا منظور مجازات مقرر در ماده ۵۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ است یا ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب سال ۱۳۶۷ مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت نظام؟

در ابتدا باید دید منظور قانونگذار از ارجاع مجازات صدور تصدیق‌نامه خلاف واقعی که به‌واسطه اخذ مال یا وجهی انجام گرفته به مجازات مقرر برای رشوه‌گیرنده چه بوده است. بدون شک هدف قانونگذار تشدید مجازات مرتکب بوده است. بنابراین چنانچه ماده ۵۸۸ قانون مجازات اسلامی را ملاک عمل در مجازات رشوه‌گیرنده قرار دهیم از آن جهت که مجازات مقرر، همان شش ماه تا

دو سال حبس یا سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی می‌باشد که مورد حکم مقنن در ماده ۵۳۹ قانون مجازات اسلامی قرار گرفته، لذا تفاوتی بین مجازات‌های مقرر در دو ماده مشاهده نمی‌گردد. بدین ترتیب باید گفت که منظور مقنن از «مجازات مقرر برای رشوه‌گیرنده» ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب سال ۱۳۶۷ می‌باشد، ضمن اینکه مرتکب به استرداد و ضبط مال یا وجه مأخوذه نیز محکوم می‌گردد.

نکته دیگری که در پایان این گفتار لازم است به آن توجه شود این است که چنانچه مرتکب جرم، پزشک نظامی باشد و یا صدور تصدیق‌نامه خلاف واقع موجب معافیت مشمولی از خدمت و وظیفه عمومی گردد به موجب ماده ۵۸ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب سال ۱۳۷۱ به شش ماه تا سه سال حبس و محرومیت از اشتغال به آن حرفه در خارج از نیروهای مسلح به مدت ۵ تا ۱۰ سال محکوم می‌گردد.

۲- سایر تصدیق‌نامه‌های خلاف واقع

علاوه بر تصدیق‌نامه‌های خلاف واقع مصرّحه در ماده ۵۳۹ قانون مجازات اسلامی، قانونگذار موارد دیگری از صدور تصدیق‌نامه‌های خلاف واقع در ماده ۵۴۰ قانون مارالذکر و ماده ۵ قانون لزوم ارائه گواهی‌نامه پزشک قبل از وقوع ازدواج مصوب سال ۱۳۱۷ پیش‌بینی نموده که به اختصار آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۲-۱- صدور تصدیق‌نامه خلاف واقع به ضرر اشخاص ثالث

به موجب ماده ۵۴۰ قانون مجازات اسلامی علاوه بر تصدیق‌نامه‌های موضوع ماده ۵۳۹ قانون مجازات اسلامی « برای سایر تصدیق‌نامه‌های خلاف واقع که موجب ضرر شخص ثالثی باشد یا آنکه خسارتی بر خزانه دولت وارد آورد مرتکب علاوه

بر جبران خسارت واره به شلاق تا ۷۴ ضربه یا به دویست هزار تا دو میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.»

چنانچه ملاحظه می‌گردد این ماده اولاً بر خلاف ماده ۵۳۹ قانون مجازات اسلامی اطلاق دارد و شامل هر نوع تصدیق‌نامه خلاف واقعی می‌گردد که منتهی به ضرر اشخاص ثالث یا سبب ورود خسارت به خزانه دولت گردد. ثانیاً، این ماده نیز همانند ماده ۵۳۹ قانون مذکور علی‌رغم ذکر آن در ذیل فصل پنجم قانون مجازات اسلامی که اختصاص به جعل و تزویر دارد، از آن جهت که بحثی راجع به خدشه در اصل تصدیق‌نامه‌های صادره و حتی در استناد آنها به اشخاص صادرکننده گواهی ندارد اساساً جعل محسوب نمی‌گردد.

ثالثاً، دو نکته در این ماده قابل اهمیت و بررسی است: یکی مفهوم ضرر است و دیگری مفهوم شخص ثالث.

۱- «مفهوم ضرر یا خسارت را همه می‌دانیم؛ هر جا که نقصی در اموال ایجاد شود یا منفعت مسلمی از دست برود یا به سلامت و حیثیت و عواطف شخص لطمه‌ای وارد آید می‌گویند ضرری به بار آمده است.»^۱

ضرر را به‌طور کلی به ضرر مادی و معنوی تقسیم کرده‌اند لیکن در باب مسئولیت مدنی و جزایی ممکن است ضررهای دیگری چون ضرر جسمانی، ضرر عمومی و ضرر اجتماعی نیز مورد بررسی قرار گیرد.

هر چند قانونگذار در ماده ۵۴۰ قانون مجازات اسلامی، واژه ضرر را به‌طور علی‌الاطلاق بیان کرده، لیکن به‌نظر می‌رسد آنچه مورد نظر قانونگذار در ماده ۵۴۰ قانون مذکور بوده است ضرر مادی است، گرچه مانعی در انطباق آن با ضرر معنوی، در صورتی که مصداقی برای آن بیابیم وجود ندارد. به‌عنوان مثال چنانچه

طبیعی مبادرت به صدور گواهی خلاف واقع برای دانشجویی نماید که به علت بیماری نتوانسته در کلاس درس حاضر شود در اینجا،
اولاً، هیچ گونه ضرری متوجه شخص ثالثی نگردیده،
ثانیاً، چنانچه ضرری هم متصور باشد ضرر معنوی است که متوجه دانشجو است.
ثالثاً، موضوع از شمول ماده ۵۴۰ قانون مجازات اسلامی خارج است.
بنابراین مناط اعتبار در تطبیق موضوع با ماده مذکور، ایراد ضرر به شخص ثالث است.

۲- نکته دیگری که در این ماده وجود دارد مفهوم شخص ثالث است همان گونه که می دانیم شخص اعم است از شخص حقیقی و شخص حقوقی، و شخص حقوقی نیز می تواند موضوع شخصیت حقوقی حقوق خصوصی واقع شود و یا شخصیت حقوقی حقوق عمومی^{۱۱}.

لذا به نظر می رسد که با توجه به مفهوم کلی شخص در ماده مزبور که مشتمل بر شخص حقیقی و حقوقی است می بایست شخص ثالث را بر تمام موارد حمل کرد. بدین ترتیب لازمه احراز وقوع جرم، تحقق ضرر به شخص ثالث می باشد که قانونگذار به آن تصریح نموده است.^{۱۲}

رابعاً، سایر تصدیق نامه های خلاف واقع مصرح در این ماده، اعم است از تصدیق نامه های دیگری که طبیب برای غیر از موارد معافیت از خدمت در ادارات رسمی یا نظام وظیفه یا برای تقدیم به مراجع قضایی صادر می کند و یا تصدیق نامه های خلاف واقعی که دیگر صاحبان حرف پزشکی و سایر افراد صادر می کنند.
همان گونه که اشاره کردیم لازمه احراز این جرم آنست که تصدیق نامه های خلاف واقع موجب ضرر شخص ثالثی باشد یا آنکه سبب خسارتی به خزانه دولت گردد.

«بنابراین جرم موضوع این ماده، برخلاف جرم موضوع ماده قبل مقید است نه مطلق!»

لازم به توضیح است که علی‌رغم اهمیت کمتر تصدیق‌نامه موضوع این ماده از تصدیق‌نامه‌های موضوع ماده ۵۳۹ قانون مذکور، احراز شرط تحقق جرم که در ایراد ضرر به شخص ثالث یا ورود خسارت به خزانه دولت می‌باشد دشوارتر است. مجازات پیش‌بینی شده در ماده ۵۴۰ قانون مذکور برای مرتکب جرم، علاوه بر جبران خسارت وارده به شلاق تا ۷۴ ضربه یا به دو بیست هزار تا دو میلیون ریال جزای نقدی می‌باشد. البته با توجه به رویکرد جدید قانونگذار در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ مبنی بر فاصله گرفتن از مجازات‌های تزدیلی در جرایم مستوجب تعزیر، و پیش‌بینی مجازات شلاق آن‌هم در جرمی که در مجازات‌های شرعی مسبوق به سابقه‌وار جرایم عرفی محسوب می‌شود محل تأمل است.

بنابراین عناصر تشکیل‌دهنده این جرم عبارتند از:

- ۱- عنصر قانونی که ماده ۵۴۰ قانون مجازات اسلامی است.
- ۲- عنصر مادی که صدور تصدیق‌نامه خلاف واقع است.
- ۳- عنصر معنوی یا قصد مجرمانه که از مقید به نتیجه بودن عمل یعنی ایراد ضرر به شخص ثالث یا خسارت به خزانه دولت می‌باشد.

۲-۲- صدور گواهی خلاف واقع جهت ازدواج

یکی دیگر از مواردی که در باب صدور گواهی خلاف واقع مورد حکم قانونگذار قرار گرفته و موجب مسئولیت جزایی پزشک می‌گردد، صدور گواهی خلاف واقع تندرستی برای امر ازدواج است.

به موجب ماده ۲ قانون لزوم ارائه گواهینامه پزشک قبل از وقوع ازدواج مصوب آذرماه ۱۳۱۷ کلیه دفاتر ازدواج مکلف می‌باشند که قبل از وقوع ازدواج از نامزدها، گواهینامه پزشک دایر بر نداشتن امراض مسریه مهم مطالبه نمایند.

و ماده ۵ قانون مذکور مقرر می‌دارد:

«هر پزشکی که برخلاف واقع گواهی تندرستی به نامزد بدهد و یا بدون جهت از روی غرض از دادن گواهینامه خودداری نماید به حبس تأدیبی از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.»

قانونگذار در این ماده دو موضوع فعل و ترک فعل پزشک در صدور گواهی خلاف واقع بیماری و خودداری از صدور گواهینامه تندرستی را جرم تلقی و آن را موجب مسئولیت کیفری پزشک می‌داند. بنابراین چنانچه دختر و پسر که قصد ازدواج دارند مبتلا به بیماری سیفلیس، یا یکی دیگر از بیماری‌های مسری و واگیردار باشند به پزشکی مراجعه نمایند و پزشک مزبور به هر دلیلی، بیماری مسری آنان را مکتوم و مبادرت به صدور گواهی سلامتی برای آنها نماید و یا برعکس، دختر و پسر که قصد ازدواج دارند و در کمال سلامتی بسر می‌برند به پزشکی مراجعه نمایند و پزشک مزبور از روی غرض‌ورزی نسبت به صدور گواهی تندرستی برای آنان خودداری ورزد فعل و ترک فعل او جرم و مستوجب شش ماه تا دو سال حبس تأدیبی خواهد بود.^{۱۳}

عناصر متشکله این جرم عبارتند از:

- ۱- عنصر قانونی که همان ماده ۵ قانون لزوم ارائه گواهینامه پزشک قبل از ازدواج مصوب سال ۱۳۱۷ می‌باشد.
- ۲- عنصر مادی جرم، که صدور گواهی تندرستی برخلاف واقع و یا خودداری از صدر گواهینامه تندرستی از روی غرض‌ورزی می‌باشد.

۳- عنصر معنوی یا قصد مجرمانه مرتکب که از صدور ماده ۵ قانون مارالذکر در مورد فعل مثبت پزشک مبنی بر دادن گواهینامه تندرستی به نامزد مبتلا به یکی از بیماری‌های واگیردار مستفاد می‌گردد و در ذیل ماده که در مورد فعل منفی پزشک یعنی ترک فعل قانونی او است که از غرض‌ورزی پزشک در خودداری از دادن گواهینامه تندرستی به نامزدی که مبتلا به بیماری آمیزشی نیست مستفاد می‌گردد. بنابراین ارتکاب این جرایم همانند صدور تصدیق‌نامه خلاف واقع موضوع ماده ۵۳۹ قانون مجازات اسلامی مستوجب شش ماه تا دو سال حبس تأدیبی است، با این تفاوت که در ماده ۵۳۹ قانون مجازات اسلامی، قاضی پرونده مخیر است مرتکب را به سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی یا شش ماه تا دو سال حبس محکوم نماید، در حالی که در اینجا مجازات جرم ارتكابی صرفاً شش ماه تا دو سال حبس تأدیبی است.

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود اینست که منظور از امراض مسریه مصرح در ماده ۲ قانون لزوم ارائه گواهینامه پزشک قبل از ازدواج چیست؟ در پاسخ باید گفت که مقنن در ماده ۱۹ قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و بیماری‌های واگیردار مصوب سال ۱۳۲۰ لیستی از بیماری‌های واگیردار را ارائه کرده است، که برخی از آنها ریشه کن شده و گرچه برخی از آنها حاد و عوارض ناگواری برای مبتلایان به دنبال دارد و حتی ممکن است موجب مرگ‌ومیر گردند اما از مواردی که مانع از ازدواج گردد نمی‌باشند، لیکن در این خصوص تبصره ماده یک قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و بیماری‌های واگیردار مصوب سال ۱۳۲۰ در خور توجه است که مقرر می‌دارد: «مقصود از بیماری‌های آمیزشی، سوزاک، کوفت (سیفلیس)، آتَشک (شانکر نرم) است. در هر نقطه از بدن که واقع باشد.»^{۱۴}

نظر به اینکه برخی بیماری‌های شدیداً خطرناک مانند ایدز و هپاتیت در زمره بیماری‌های آمیزشی و واگیردار قرار دارند که در زمان تصویب قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و بیماری‌های واگیردار مصوب سال ۱۳۲۰ و اصلاحات سال ۱۳۴۷ آن ناشناخته بوده و در دو سه دهه اخیر کشف شده‌اند آیا بیماری‌های اخیر نیز مشمول قانون مارالذکر می‌گردد یا خیر؟ به نظر می‌رسد که برخلاف ماده ۱۹ قانون مذکور که به احصاء بیماری‌های واگیر پرداخته و حصری است به نظر می‌رسد که بیماری‌های مندرج در تبصره ماده یک قانون مذکور بنابر دلایل ذیل تمثیلی است:

۴- سیاق عبارات و نحوه نگارش تبصره ماده یک قانون مزبور به گونه‌ای است که حصری بودن بیماری‌های مصرحه قانونی از آن مستفاد نمی‌گردد.

۵- خطر ابتلا به برخی بیماری‌های آمیزشی لاعلاج به حدی است که علی‌رغم پیشرفت‌های نوین پزشکی، امیدی به نجات مبتلایان به این گونه بیماری‌ها نیست و تنها اقدام مفید، پیشگیری و جلوگیری از شیوع روزافزون آنها است و هدف مقتن نیز از وضع چنین قانونی، جلوگیری از شیوع این گونه بیماری‌ها بوده است. بنابراین نمی‌توان هیچ توجیه و استدلال مخالفی برای آن یافت. لذا مشمول بیماری‌های خانمان‌سوز و خانمان براندازی چون ایدز و هپاتیت در زمره بیماری‌های آمیزشی در راستای تأمین نظر و اهداف قانونگذار است.

۶- از حصری بودن ماده ۱۹ قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و بیماری‌های واگیردار چنین مستفاد می‌گردد که چنانچه قانونگذار مخاطرات بیماری‌های آمیزشی دیگری که ممکن است بعداً کشف و شناخته گردند را پیش بینی نمی‌نمود همانند ماده ۱۹ قانون مارالذکر می‌توانست بیماری‌های آمیزشی را نیز به طور حصری بیان نماید.

البته شایان ذکر است که تصریح قانونگذار بر تبیین موارد بیماری‌های آمیزشی، به معنی الزام پزشک به انجام آزمایشات لازم در مورد کلیه بیماری‌های مصرحه قانونی نیست. برخی بیماری‌های آمیزشی مانند سوزاک و شانکر نرم برخلاف سیفلیس که با انجام آزمایشات خون مشخص می‌شود به گونه‌ای است که فرد مبتلا با لحاظ اوضاع و احوال بیماری خود می‌بایست مراتب را به پزشک اعلام نماید که در صورت عدم اعلام، قانونگذار ضمانت اجرای قانونی برای آن در نظر گرفته است^{۱۵}.

ماده ۹ قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و بیماری‌های واگیردار در این زمینه مقرر می‌دارد: «هر کس بداند مبتلا به بیماری‌های آمیزشی و واگیردار بوده و یا آنکه اوضاع و احوال شخصی او طوری باشد که بایستی حدس بزند که بیماری او واگیردار است و به واسطه آمیزش او طرف مبتلا شود و به مراجع قضایی شکایت کند، مبتلاکننده به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال محکوم می‌شود.»

در پایان لازم است به این نکته اشاره شود که دیگر این شیوه قانون نویسی مرسوم و رایج نیست. قانونگذار می‌بایست اصول کلی و قواعد حاکم بر موضوع و مجازات آن را وضع و تدوین جزئیات آن را موکول به تدوین آئین‌نامه اجرایی نماید، زیرا پروسه وضع یک قانون بسیار وقت گیر و طولانی است و چه بسا مخاطراتی که ممکن است از قبل خلاء قانونی متوجه جامعه گردد.

نتیجه

صدور گواهی خلاف واقع پزشکی - موضوع مواد ۵۳۸، ۵۳۹ و ۵۴۰ قانون مجازات اسلامی را تشکیل می‌دهد که می‌توان آن را تحت دو عنوان صدور گواهی خلاف واقع پزشکی که از جمله جرایم ارتكابی برخلاف شئون شغلی و حرفه‌ای پزشکی است و سایر تصدیق‌نامه‌های خلاف واقع تقسیم‌بندی کرد.

صدور گواهی پزشکی بنابر تقاضای بیمار یکی از وظایف روزمره پزشکان و دیگر صاحبان حرف پزشکی محسوب می‌شود و پزشکان در این خصوص با حجم زیادی از تقاضاهای بی‌مورد مواجهند که به‌منظور رفع آن باید تدبیری تازه اندیشید. از مهمترین و شایع‌ترین دلایلی که ممکن است پزشکان مبادرت به صدور گواهی نمایند همان‌گونه که مورد تصریح قانونگذار در ماده ۵۳۹ قانون مجازات اسلامی قرار گرفته استفاده از آن برای معافیت از خدمت در ادارات دولتی یا نظام وظیفه و یا حضور در محاکم و مراجع قضایی است که آن را در بخش اول این مقاله مورد مطالعه قرار دادیم. در بخش دوم مقاله به تشریح سایر تصدیق‌نامه‌های خلاف واقع - موضوع مواد ۵۳۸ و ۵۳۹ قانون مجازات اسلامی پرداختیم که ممکن است موجب خسارت به دولت و یا اشخاص حقیقی و حقوقی و یا اخلال در نظم عمومی جامعه گردد.

از جمله جرایم مورد مطالعه در بخش دوم مقاله، صدور تصدیق‌نامه خلاف واقع به ضرر اشخاص ثالث و صدور گواهی خلاف واقع جهت ازدواج می‌باشد که آن را در دو مبحث جداگانه مورد نقد و بررسی قرار دادیم.

هرچند جرم‌انگاری در زمینه صدور گواهی خلاف واقع پزشکی موجب تضمین رعایت شئون شغلی و حرفه‌ای پزشکی، رابطه مستحکم پزشک و بیمار و ایجاد زمینه حرکت بر مدار قانون در جامعه پزشکی می‌گردد، اما باید توجه داشت که کثرت

تقاضا و توصیه وساطت کنندگان در این زمینه مشکلات عدیده‌ای برای پزشکان ایجاد می‌نماید که طبیعتاً از دیدگاه اخلاقی و حقوقی نمی‌بایست به آن وقعی نهاد. از طرفی باید در کنار تدبیر سازنده قانونگذار مبنی بر جرم‌انگاری صدور گواهی خلاف واقع پزشکی به نهادینه کردن اخلاق در این زمینه همت گماشت و با کار فرهنگی زمینه تقاضاهای غیرقانونی متقاضیان را از بین برد.

پی‌نوشت‌ها

۱. میرمحمد صادقی، حسین، حقوق جزای اختصاصی جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، نشر میزان، ۱۳۸۰، ص ۲۸۱.
۲. عباسی، محمود، مجموعه قوانین و مقررات پزشکی و دارویی، انتشارات حقوقی، چاپ سوم، ۱۳۸۲.
۳. به نقل از مجموعه قوانین و مقررات پزشکی و دارویی، تالیف نگارنده، انتشارات حقوقی ۱۳۸۱، ص ۵.
۴. در زبان فرانسه و انگلیسی نیز این واژه معادل Dentist آمده و تخصصی مجزا از رشته پزشکی محسوب می‌گردد.
۵. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، ص ۱۵۴.
۶. جهت مطالعه بیشتر در این خصوص رک به: حقوق و تخلفات اداری، تالیف سیدحسن میرحسینی و محمود عباسی، انتشارات حقوقی، چاپ دوم، ص ۲۰۵ به بعد.
۷. عبدالملک بک، جندی، الموسوعه الجنائیه، ج ۵، ص ۸۳۷.
۸. ترمینولوژی حقوق، همان، ص ۱۵۴.
۹. عباسی، محمود، مجموعه مقالات حقوق پزشکی، جلد سوم، انتشارات حقوقی ۱۳۸۳، ص ۲۲۴.
۱۰. کاتوزیان، ناصر، مسئولیت مدنی، پیشین، ص ۲۴۴.
۱۱. جهت مطالعه بیشتر رک: حقوق و تخلفات اداری، سید حسن میرحسینی و محمود عباسی، چاپ دوم، انتشارات حقوقی، ۱۳۸۲.
۱۲. عباسی، محمود، حقوق پزشکی، (مجموعه مقالات)، جلد سوم، انتشارات حقوقی ۱۳۸۳، ص ۲۳۲.
۱۳. رک: عباسی، محمود، حقوق بهداشتی و تکنیک‌های نوین زیست پزشکی، متشره در کتاب جامع بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، جلد سوم، ۱۳۸۵.
۱۴. عباسی، محمود، مجموعه قوانین و مقررات پزشکی و دارویی، چاپ ۳، انتشارات حقوقی ۱۳۸۱، ص ۱۳۶.
۱۵. جهت مطالعه بیشتر در زمینه آثار فقهی و حقوقی انتقال بیماری از طریق تماس جنسی رک مقاله منتشره تحت همین عنوان از محمد روشن، فصلنامه حقوق پزشکی، سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۸۶، مؤسسه حقوق پزشکی سینا، ص ۸۳.

یادداشت شناسه مؤلف

محمود عباسی: رییس مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران، رییس انجمن علمی حقوق پزشکی ایران و عضو سازمان جهانی حقوق پزشکی، تهران، ایران.

نشانی الکترونیک: Dr.Abbasi@sbmu.ac.ir

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۶/۴/۱۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۶/۶/۲